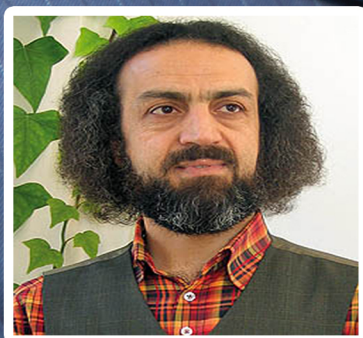


ایران هسته ای...



مذاکرات هسته ای و آینده پیش رو
مصاحبه اختصاصی با دکتر مهدی مطهرنیا



معرفی کتاب دکتر محسن رنانی

فود زنی سیاسی آقای نفست وزیر



فهرست

سخن سردبیر | ۱

بیانات مقام معظم رهبری در خصوص ایران هسته ای | ۲

معرفی کتاب اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران (دکتر محسن رنانی) | ۳

مذاکرات هسته ای و آینده پیش رو (مصاحبه اختصاصی با دکتر مطهرنیا) | ۴

خودزنی آقای نخست وزیر | ۷

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با بحران هسته ای ایران بر اساس نظریه سازه انگاری | ۸

تاثیر رسانه های غربی بر افکار عمومی در جریان بحران انرژی اتمی ایران | ۱۰

یک پرونده، یک تجربه | ۱۲

دیوار بی اعتمادی یا اختلاف هسته ای | ۱۴

اتحادیه اروپا، دیپلماسی تحریم و پرونده هسته ای ایران | ۱۵

نگاهی گذرا به کشور های دارای انرژی هسته ای | ۱۶

آشنایی با اصطلاحات فن آوری هسته ای و انرژی اتمی | ۱۷

شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن علمی تخصصی علوم سیاسی

مدیر مسئول: خانم فائزه سادات حسینی

سردبیر: مهدی قاسمی جعفرآبادی

مدیر هماهنگی: سید حمید شجاعی

مسئول مصاحبه: محمد غفوری

سرپرست هیئت تحریریه: دکتر مهدی جاودانی مقدم

هیئت تحریریه: محمد غفوری، حمید شجاعی، سید احمد سادات الحسینی، زهرا مقبول، عطیه روشن خواه

طراحی و صفحه آرایی: شرکت طراحان ایده پرداز کاسپین

روابط عمومی: ۰۹۱۰۴۶۳۵۶۱۱

سخن سر دبیر

● مهدی قاسمی جعفرآبادی

الله اعلم به کل شی

بیش از یک دهه است که بحث پرونده هسته ای ایران در جریان است و فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است. از توافق رسد آباد گرفته تا تحریم های شورای امنیت و ایالات متحده آمریکا و هم اکنون نیز توافق ژنو همگبیه سایه سنگین مذاکرات در طرفین مذاکره اذعان دارد. حتی برخی کشورهای تأثیر گذار و تأثیر پذیر از مذاکرات نیز سایه مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱ را در تحولات داخلی و بین المللی خود احساس می کنند. تأثیر این مذاکرات را می توان در ۳ سطح تقسیم بندی کرد. ۱- سایه آن بر مسائل داخلی و بین المللی ایران ۲- تأثیرات آن بر تحولات داخلی و بین المللی ایالات متحده آمریکا ۳- سایه این مذاکرات بر کشورهای تأثیر گذار و متنفذ.

در بخش داخلی جمهوری اسلامی ایران تأثیرات را به دو سطح بررسی می کنیم موافقان مذاکره و توافق و مخالفان مذاکره و توافق. در صورت توافق احتمالی مخالفان توافق با انسداد سیاسی مواجه خواهند شد و به حاشیه خواهند رفت. تنروهایی که مذاکره با آمریکا و ۵+۱ را خلاف آرمان های انقلاب و نظام می دانند که با نام دلواپسان مشهور شده اند.

در طرف مقابل موافقان مذاکره و توافق را داریم. دولتیون و حامیان گفتگوی اعتدال و اصلاح طلبان که با شعار عقلانیت و اعتدال به میدان آمده اند. در صورت توافق هسته ای نقش آفرینی اصلی را در تحولات جاری سیاسی از جمله انتخابات حساس مجلس خبرگان رهبری و انتخابات سرنوشت ساز مجلس شورای اسلامی خواهند نمود.

اثرات توافق در سطح بین المللی نیز بدین گونه است که حضور ایران ایران به عنوان قدرتی منطقه ای با رویکرد تعامل با دنیا می تواند آن چهره خشونت طلب و رادیکالی را از ایران که خواستار مقابله با دنیا بود را از اذهان جهانیان بزدايد باعث پیشرفت در حوزه های سیاسی، اقتصادی و... شود.



توافق باید سالهای سختی را در منطقه پیش رو داشته باشند و دیگر آن جای سابق را برای آمریکاییها و هم پیمان ارو پاییشان نخواهند داشت. سایه سنگین این مذاکرات بر دولت تلاویو از آن جهت است که نتانیا هو رهبر جریان راست گرای افراطی اسرائیل به همراهی و هماهنگی امریکایی ها با دولت مطبوعش چشم امید داشته حال با توافق هسته ای ایران و امریکا وی شکست مفتضحانه ای را در مقابل حزب مقابل خود راست گرایان میانه رو یعنی حزب کادیما به رهبری زیپنی لیونی تجربه خواهد کرد.

عربستان نیز جزء مخالفین این مذاکرات توافق احتمالی است و سایه سنگین مذاکرات هسته ای ایران و ۵+۱ را احساس می کند.

زیرا در صورت توافق ایران و امریکا ایران به قدرتی دو جندان در منطقه تبدیل خواهد شد و جایگاه عربستان از این که هست متزلزل تر خواهد شد.

توافق نزدیک است و سایه آن بر کشورهای فوق گسترده و سنگین. حال کدامیک از این ماراتن هسته ای موفق و دست پر بیرون می آیند باید به تماشا نشست....

در سطح دوم ایالات متحده آمریکا را خواهیم داشت. آمریکاییها، بالأخص کری و اوباما می خواهند این ماراتن مذاکرات نفس گیر را به به نوعی با توافق با ایران به نفع خود کنند، تا در انتخابات آتی بازم دموکرات ها دست بالا و برگ برنده را داشته باشند. در صورتی که محافظه کاران امریکا به مذاکرات و توافق احتمالی خوش بین نیستند و به عدم توافق و افزایش و تشدید تحریم ها بر ایران می اندیشند. این در حالی است که در صورت توافق طرفینی جمهوری خواهان یک شکست بزرگ سیاسی را متحمل خواهند شد.

در حوزه بین الملل نیز امریکاییها می دانند که اگر به هر نحوی مذاکرات با شکت احتمالی روبرو شود جامعه جهانی آنها را مقصر شکست مذاکرات می دانند و بخاطر اینکه از زیر فشار افکار عمومی دنیا نیز رها شوند به توافق با ایران می اندیشند.

در سطح سوم ما کشورهای پر نفوذ و تأثیر گذار را خواهیم داشت که این مذاکرات بر منافع آنها در منطقه و فضای بین المللی تأثیر مستقیم خواهد گذاشت. کشورهایی مانند: اسرائیل و عربستان سعودی.

اسرائیل یک سیاست را در پرونده هسته ای ایران پیش گرفته و آن عدم توافق به هر قیمتی است. چون اسرائیلی ها می دانند در صورت

بیانات مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۲ در مشهد مقدس

پرونده هسته‌ای ایران

۱۳۹۲

مسئله هسته‌ای ایران

این مذاکراتی که امروز دارد انجام میگیرد با شش کشور - که آمریکا هم جزو این شش کشور است - فقط در مورد مسائل هسته‌ای است و لاغیر. بنده هم اول امسال در مشهد مقدس در سخنرانی گفتم [که] مذاکره در موضوعات خاص اشکالی ندارد؛ منتها گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن میخواهند مذاکره کنند، بکنند؛ ما هم به اذن الله ضرری نمی کنیم.

یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است - که حالا من مختصراً عرض خواهم کرد - این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد؛ مثل تجربه‌ای که در سال ۸۲ و ۸۳ در زمینه تعلیق غنی‌سازی انجام گرفت، که آن وقت تعلیق غنی‌سازی را در مذاکرات با همین اروپایی‌ها، جمهوری اسلامی برای یک مدتی پذیرفت. خوب ما دو سال عقب افتادیم، لکن به نفع ما تمام شد. چرا؟ چون فهمیدیم که با تعلیق غنی‌سازی، امید همکاری از طرف شرکای غربی مطلقاً وجود ندارد. اگر ما آن تعلیق اختیاری را - که البته به نحوی تحمیل شده بود، لکن ما قبول کردیم، مسئولین ما قبول کردند - آن روز قبول نکرده بودیم، ممکن بود کسانی بگویند خوب یک ذره شما عقب‌نشینی میکردید، همه‌ی مشکلات حل میشد، پرونده‌ی هسته‌ای ایران عادی میشد. آن تعلیق غنی‌سازی این فایده را برای ما داشت که معلوم شد با عقب‌نشینی، با تعلیق غنی‌سازی، با عقب افتادن کار، با تعطیل کردن بسیاری از کارها مشکل حل نمیشود؛ طرف مقابل دنبال مطلب دیگری است؛ این را ما فهمیدیم، لذا بعد از آن شروع کردیم غنی‌سازی را آغاز کردن. امروز وضعیت جمهوری اسلامی با سال ۸۲، زمین تا آسمان فرق کرده؛ آن روز ما چانه میزدیم سر دو، سه سانتریفیوژ، [در حالی که] امروز چندین هزار سانتریفیوژ مشغول کارند. جوانهای ما، دانشمندان ما، محققین ما، مسئولین ما همت کردند، کارها را پیش بردند. بنابراین از مذاکراتی هم که امروز در جریان است، ما ضرری نخواهیم کرد. البته بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمیکنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربه‌ی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت میکنند، کار میکنند، قرص و محکم حمایت میکنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می افتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های مواجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و مواجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. ۱۲/۰۸/۱۳۹۲



۱۳۹۲

مسئله هسته‌ای ایران

خودبرتربینی، خود را دارای جایگاه ویژه‌ای در مجموعه‌ی اولاد آدم، مجموعه‌ی ملتها، مجموعه‌ی انسانها دانستن، این اساس و بزرگ‌ترین مشکل استکبار است.

نتیجه این میشود که خصوصیت و شاخص دیگری برای استکبار به دست می‌آید و آن حق‌ناپذیری است؛ نه حرف حق را میپذیرند، نه حق ملتها را میپذیرند؛ حق‌ناپذیر مطلق. در مباحثات جهانی بسیار اتفاق می‌افتد یک حرف حقی زده میشود، آمریکا به دلیلی نمیپذیرد؛ با انواع شیوه‌ها حرف حق را رد میکنند، زیر بار حق نمیروند. حالا یک نمونه‌اش مسائل امروز ما است که مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای و صنایع هسته‌ای است؛ حرف حقی وجود دارد؛ اگر چنانچه انسانی اهل حق باشد، اهل استدلال باشد، اهل منطق باشد، باید وقتی در مقابل استدلال قرار گرفت، تسلیم بشود، اما استکبار تسلیم نمیشود؛ حرف حق را میشنود، زیر بار حق

نمیروند؛ این یکی از خصوصیات او است. ۲۹/۰۸/۱۳۹۲

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور

۱۳۹۲

غنی‌سازی هسته‌ای، مسئله هسته‌ای ایران

بر اساس تجربه و نگاه به صحنه، با دقت و کنجکاوی، برداشت ما این است که آمریکا مایل به تمام شدن مذاکرات هسته‌ای نیست. آمریکایی‌ها دوست ندارند گفتگوهای هسته‌ای تمام شود و مناقشه‌ی هسته‌ای حل شود؛ وگرنه چنانچه آنها مایل به اتمام این مذاکرات و حل این مشکل بودند، راه حل، بسیار نزدیک و بسیار آسان بود. ایران در مسئله‌ی هسته‌ای، فقط میخواهد حق غنی‌سازی او - که حق طبیعی‌اش است - از طرف دنیا شناخته شود؛ مسئولان کشورهایی که مدعی هستند، اعتراف کنند که ملت ایران حق دارد غنی‌سازی هسته‌ای را برای اهداف صلح‌آمیز در کشور خودش و به دست خودش انجام دهد؛ این توقع زیادی است؟ این آن چیزی است که ما همیشه گفته‌ایم؛ آنها همین را نمیخواهند. ۰۱/۰۱/۱۳۹۲

بیانات در حرم مطهر رضوی

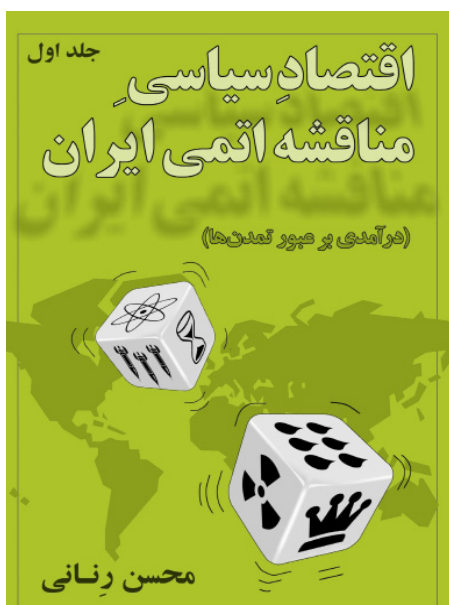
اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران

• مؤلف: آقای دکتر محسن رنانی

دکتر محسن رنانی



را نیز در همین راستا تحلیل کرده است. این اثر در ده فصل تنظیم شده است که اکنون جلد اول آن در دسترس قرار داد و جلد دوم تا مدتی دیگر منتشر خواهد شد.



ایران یک طرح سیستماتیک از جانب غرب است تا بتواند بی ثباتی در منطقه خلیج فارس را تداوم بخشد و دلیل اصلی دمیدن در تنور مناقشه اتمی ایران، طرحی است که غرب آن را راهبری می کند برای رهایی تمدن خویش از گرفتاری های تاریخی. رویکرد کتاب انتقادی است و با خوانشی تاریخی و علمی به هشدار نگاری هایی در زمینه وابستگی نفتی ایران و پرونده هسته ای می پردازد. رنانی در این کتاب معتقد است تداوم مناقشه اتمی ایران و به نتیجه نرسیدن مذاکرات هسته ای با کشورهای ۵+۱، خواست کشورهای غربی به ویژه آمریکاست تا غرب بتواند از طریق بالا و پایین بردن تنش های حاصل از مناقشه، بازار جهانی نفت را مدیریت کند.

همچنین مؤلف تئوری ای را مطرح می کند که بر اساس آن «غرب از طریق بی ثبات کردن منطقه خلیج فارس به دنبال مدیریت بازارهای نفت در جهت افزایش قیمت آن و پایان دادن به اعتیاد خود به نفت است». لذا مناقشه اتمی ایران

بحث پرونده هسته ای ایران از زمان آغاز تا کنون (از ۲۰۰۳) باعث پدید آمدن آثار آکادمیک بسیاری شده است. کتب و مقالاتی که هریک با دیدی تفسیری یا انتقادی به گوشه ای از بحث پرنده هسته ای پرداخته و از منظر خاصی به آن نگاه کرده اند. از میان این انبوه آثار که به کثرت در ابعاد سیاسی و حقوقی این مسئله مهم و جاری کشور کار شده است؛ کمتر به ابعاد اقتصادی آن توجه شده، خصوصاً که از چشم انداز اقتصاد سیاسی بین الملل و تبعات فراگیر آن مورد کنکاش قرار گیرد. در این مجال می خواهیم کتابی را معرفی کنیم که مورد توجه بسیاری از علاقمندان به حوزه اقتصاد و دیپلماسی قرار گرفته است.

خود مؤلف برای معرفی اثرش در مقدمه نگاشته است: «این کتاب، گزارشی نگران کننده از پیش بینی آینده نفت و تفاسیر متفاوتی از مناقشه اتمی ایران و نقش غرب در آن است». دکتر رنانی در ادامه معتقد است مناقشه اتمی

درباره مؤلف

دکتر محسن رنانی

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

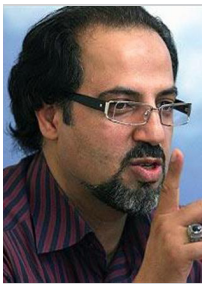
دارای مدرک دکتری اقتصاد از دانشگاه تهران

وی تاکنون بیش از پانزده عنوان کتاب به طور مستقل یا مشترک تألیف و ترجمه و بیش از یکصد مقاله علمی

به چاپ رسانده است. دو کتاب ایشان به عنوان کتاب سال دانشگاهی برگزیده شده است.

دریافت متن کامل کتاب: www.renani.ir

بررسی توسط: سحر جوانمرد



دکتر مهدی مطهرنیا

مذاکرات هسته ای و آینده پیش رو

● نویسنده: مصاحبه آقای دکتر مهدی مطهرنیا

(رئیس پژوهشکده علوم اجتماعی و انقلاب دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد قم و تهران مرکز)

جبهه موافقت با ایالات متحده آمریکا را در برابر جبهه مقاومت نهاد کشورهایمانند قطر، عربستان، ترکیه به همراه اسرائیل در ماجرای سوریه جبهه ای را تشکیل دادند که من نام آن را جبهه موافقت می دانم. از این رو ما شکل گیری این جبهه را در مسیری یافتیم که حتی کشوری مانند عربستان در قبال برخورد با ایران بسیار تندرو تر از ایالات متحده آمریکا و متحدش یعنی اتحادیه اروپا وارد عمل شد. و هم اکنون نیز پژواک و انعکاس آن را در رفتار کشور عربستان و دولت این کشور شاهد هستیم. فلذا تعریف عملیاتی از تحریم ها در بستر ایجاد یک فضای مناسب برای عملیاتی کردن آنها در خاورمیانه بوجود آمد و پژواک بین المللی داشت این دوره که دوره اعلام مواضع است توانست هزینه های بسیار بالایی را بر جمهوری اسلامی ایران تحمیل و به همان نسبت هزینه هایی را هم برای آمریکا و متحدانش به همراه داشته باشد. در این وضعیت و بافت موقعیتی دور دوم و سطح دوم با روی کار آمدن دولت یازدهم شروع شد دولت یازدهم بواسطه آنکه ریاست جمهوری شیخ دیپلماتی را شاهد بود که خود در آغاز حرکت دیپلماسی ایران در پرونده هسته ای در دوره اصلاحات تلاش کرده بود راه حلی معتدلانه برای حل و فصل پرونده باز یابد و با توجه به ادبیات سیاسی مذاکره را در بازی برد- برد تعریف می کرد با دکتربین تعامل سازنده در کمپین انتخاباتی و با تأکید برخواست ملت بر حل و فصل دیپلماتیک پرونده هسته ای توانست رئیس جمهور شود این شیخ دیپلمات برجسته ترین دیپلمات ایرانی در دهه های اخیر را به وزارت خارجه گماشت. دکتر جواد ظریف باید به عنوان یک چهره برجسته در دیپلماسی ایران در دهه های اخیر مورد پروا قرار گیرد. اونیز مانند شیخ دیپلمات هم علم روابط بین الملل می دانست و هم تجربه دیپلماتیک بسیار بالایی داشت. و در بستر یک تحرک انقلابی و تجربه آموزه های انقلابی در سه دهه اخیر توانسته بود در پست های مهم دیپلماتیک کشور خدمت کند. من جمله به عنوان نماینده ایران در سازمان

دید ۱- در بعد نظری ۲- در بعد تعریف عملیاتی یک مفهوم را در پژوهش ما نخست تعریف نظری می کنیم و سپس شاخص گذاری عملیاتی می نماییم. در مقام تمثیل تحریم ها نخست تعریف نظری پذیرفت و بر اساس استفاده از گزارشات آژانس بین المللی آژانس هسته ای تحریم ها لایه به لایه افزایش پیدا کرد با ارسال پرونده ایران به شورای امنیت به واسطه ادبیات دولت نهم در ارتباط با پرونده هسته ای و رد بسته های پیشنهادی، تحریم های شورای امنیت اضافه شد، تحریم های اروپا گسترش پیدا کرد، تحریم های کپیتال هال یا کنگره ایالات متحده آمریکا چند لایه شد و همچنین تحریم های رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا. در آن اگرچه تحریم ها پی در پی صادر می شد اما جنبه عملیاتی پیدا نمی کرد. با روی کار آمدن باراک حسین اوباما در چارچوب قدرت هوشمند تر آمریکایی او توانست در بستر تئوری جنگ نامتعادل بر علیه ایران اجماع بین المللی و منطقه ای را بر علیه جمهوری اسلامی ایران به گونه ای مدیریت کند که شاخص گذاری های عملیاتی در باب تحریم ها آرام آرام چهره نشان داد با اضافه شدن خزانه داری ایالات متحده آمریکا به نمایندگان وزارت امور خارجه و وزارت دفاع آمریکا در جهت عملیاتی کردن تحریم ها و پیوند آمریکا با اتحادیه اروپا و کشورهای پیرامونی شرقی خود زمینه های عملیاتی کردن تحریم ها در چارچوب به هدف نشان دادن گام های تئوری جنگ نامتعادل آرام آرام شکل و محتوای بیشتری پذیرفت در همین حال ما شاهد تغییر و تحولاتی در خاور میانه به عنوان نقطه هدف ایالات متحده آمریکا در مقام اولویت استراتژیک ایالات متحده آمریکا بودیم که تلاش دارد از خاور میانه به عنوان هارتلند نو در جهت عبور از دکتربین امنیتی هشتم خود یعنی پیشدستی برای گذار به دکتربین امنیتی پیش رود که هدفش اولویت استراتژیکی به نام چین بود. از این جهت است که ما در منطقه بحران سوریه را فعال تر دیدیم، شکل گیری داعش و امثال تحولات موجود در منطقه که رادیکالیسم مذهبی را شدید کرد و به گونه ای کشورهای

آقای دکتر شما روند پیشرفت مذاکرات ایران و ۱+۵ را چگونه می بینید؟

پیشرفت مذاکرات هسته ای را باید یک امر نسبی دانست. باید به این نکته توجه داشت که مذاکرات هسته ای بیش از یک دهه است که از تبار و یک دیرینه معنادار و تعریف شده در چارچوب پرونده هسته ای ایران برخوردار شده است و یکی از مهمترین پرونده های موجود در ارتباط با ایران و نظام بین الملل است که در سه لایه مسائل داخلی، سطح منطقه ای و بین المللی انعکاسهای متفاوت و در هم تنیده را به خود اختصاص داده است. مذاکرات را در این سالهای طولانی من در سطح تحلیل کلان به دو بخش تقسیم می کنم. ۱- مذاکره برای اعلام مواضع ۲- مذاکره برای رسیدن به تفاهم یا قبول هویت مذاکره به عنوان ابزاری دیپلماتیک. در سطح نخست که اساسا در سالهای اولیه مذاکرات هسته ای چهره نشان داد به ویژه پس از روی کار آمدن دولت نهم و دهم ما شاهد نوعی از مذاکره هستیم که از هویت مفهومی مذاکره گریزان است. هم از سوی ایالات متحده آمریکا و دیگر همراهان این کشور و ۱+۵ و حتی دیگر کشورهای پیرامونی خارج از حوزه ساختار قدرت غرب و متحدین آمریکا مانند: چین و روسیه نوعی اعلام مواضع بیشتر چهره نشان می دهد و از این سو و به شکلی غلیظ تر در جمهوری اسلامی. به عبارت دیگر دیپلماسی نه ابزاری برای رسیدن به تفاهم بلکه به صورت یک ابزار یا افزامندی سیاسی برای بیان مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال پرونده هسته ای است. در این زمان حتی غربی ها گاه به گاه تلاش دارند با دادن پکیج های مختلفی زمینه پرور ایجاد فضای مناسب در جهت بازگشایی راهی برای مذاکره به معنای تخصصی کلمه باشند. دادن پکیج ها یا بسته های پیشنهادی در این زمینه را باید در این دسته از موضوعات مورد توجه قرار داد. که ما شاهد آن بودیم که این بسته ها در آن زمان از سوی ایران رد شد و رد شدن آنها بخش نظری تحریم هارا گسترش بخشید می گویم بخش نظری تحریم ها به دلیل اینکه تحریم ها را باید در دو بعد



تحرك تا حدود زیادی با چالش و انسداد روبرو شود. بخش دیگری از این اکثریت را من عصبان خواهان تحریم می نامم. کسانی که دل بسته اند که تحریم ها بتواند ایجاد نارضایتی عمومی در داخل کشور و طغیان اجتماعی مدنی بر علیه تحرکات سیاسی دولت و حکومت فراهم کند. این عده بیشتر اهداف سیاسی را دنبال می کنند تا اهداف اقتصادی را برخلاف کاسبان تحریم. در سطح منطقه ای نیز ما در رأس مخالفان رژیم صهیونیستی اسرائیل را داریم. اسرائیل به باور من می داند که اگر مسئله ایران و آمریکا در پرونده هسته ای حل شود امکان تسری این الگو در حل و فصل پرونده های دیگر در آینده وجود خواهد داشت و ارتباط ایران و آمریکا در این مسیر بهتر صورت خواهد پذیرفت. و چالشهای موجود در آینده آرام آرام کاهش پیدا خواهد کرد. این موجب می شود که ایالات متحده آمریکا بواسطه حل و فصل پرونده هسته ای پرونده های دیگری که موجود در خاورمیانه است مانند: پرونده عراق و داعش پرونده سوریه را به گونه مدل پرونده هسته ای در چارچوب برد-برد با ایران در آینده حل و فصل نماید.

و این قدرت ایران را در منطقه افزایش و ایران به عنوان یک قدرت بزرگ در نظام منطقه ای و در نظم بین المللی آینده پذیرفته خواهد شد.

داخلی آنچه که مشهور است در ایران دلوایسان هستند و در آمریکا نئوکان ها یا نو محافظه کاران که هردو را باید از منظر خصلت سیاسی نئوکان نامید. دلوایسان ایران عده ای را تشکیل می دهند که قلیلی از آنها بواسطه ادراکی که از ارزش های انقلابی و تعریفی که از انقلاب و حرکت انقلابی دارند، هرگونه حرکتی را که مبتنی بر دیپلماسی و خواستار صلح و ثبات باشد عملی ضد انقلابی محاسبه می کنند. این برداشت نادرست از مفهوم انقلاب در دوران پس از انقلاب موجب شده است که تا حدودی بگوئیم این دلوایسان قابل احترام و این قلیل آنها بر اساس فقدان آگاهی بر مفاهیم سیاسی و برخورد تخصصی با آنها تنها برای حفظ ارزش های انقلاب و آنچه که خود اصول و ارزشها می دانند و هرگونه دیپلماسی و حرکت شایسته در مسیر صلح رامخالف آن می پندارند صورت می پذیرد. اینها از جهت نیت عملکردشان قابل احترام هستند اما از جهت نوع عمل و رفتارشان قابل انتقاد هستند. گروه دیگری از دلوایسان که اکثریتی را نشان می دهند که بالطبع سعی می کنند از این احساسات و از این ارزشها به نفع منافع خود استفاده کنند کاسبان تحریم هستند. کسانی که توانسته اند در پرتو تحریم جایگاه اقتصادی معنا دار و فربهی را پیدا کنند که بیم آن دارند که با بسته شدن این قرارداد این

و تجربه عینی یک دهه زندگی خود را در این کشور بیش از آن که به عنوان یک مهاجر باشد به عنوان یک محقق پشت سر گذاشته بود توانست دیپلماسی ایران را فعال نماید. روی کار آمدن او و دولت روحانی موجب شد که به هر تقدیر پرونده هسته ای به وزارت امور خارجه سپرده شود و شورای عالی امنیت ملی کار پشتیبانی و ارائه راهبردهای عملیاتی را در جهت حرکت دیپلماتیک بعهدہ بگیرد. پشتیبانی های رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران با کدگذاری نرمش قهرمانانه و سپس حمایت از دیپلماتها علیرغم مشکلات داخلی، منطقه ای و بین المللی از سوی نئوکان ها و مخالفین حل و فصل پرونده هسته ای صورت پذیرفت. و اوج آن را می توان در سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا دید. تا کنون نشان داده است که روند پرونده هسته ای در یک سال اخیر یک روند مغفولانه و خرد ورزانه است معقولانه به این دلیل که می خواهد وضع موجود را به خوبی مدیریت کند و خردمندانه به این معنی که می خواهد تصویر روشنی از آینده ترسیم و براساس یک تصویر روشن حرکت کند. آقای دکتر نقش گروه های تندرو در دو طرف مذاکرات و کشورهایی از جمله عربستان و اسرائیل را در مذاکرات چگونه می بینید؟

گروه های تندرو در سه لایه حضور دارند در لایه



من باور دارم که آنها بیش از آنکه سخنگوی خود باشند سخنگوی اتحادیه اروپا با مدیریت پشت صحنه انگلیس ها در مخالفت با گذار پرونده هسته ای از وضع موجود می باشند.

به یک توافق هسته ای اجبار است و برای ایالات متحده آمریکا به ویژه دولت دموکرات ها یک الزام سیاسی است. فلذا اگر امروز این مذاکرات به نتیجه نرسد فرصت تاریخی برای هردو پایتخت های تهران و واشنگتن از دست خواهد رفت. این در حالی است که باید بپذیریم که اگر با عقل وضعیت امروز را می سازیم با خرد آینده حیات خود را خواهیم ساخت لذا خرد ورزی سیاسی ایجاب می کند که ایران و آمریکا به یک توافق نامه براساس جبر و الزام موجود سیاسی فعلی تن دردهند. اگر این باشد بر- برد شکل خواهد گرفت اما اگر این صورت نپذیرد هردو باید برای پذیرش هزینه های گزافی در این ارتباط آماده شوند. پرونده هسته ای بی تردید حل و فصلش نه تنها بر روابط ایران و آمریکا بلکه بیشتر در نظام منطقه ای و سپس در نظم بین المللی آینده تأثیر خواهد داشت.

براساس قانون ظروف مرتبطه و آنچه که نظریه اثر پر پروانه رولنز خوانده می شود که اثر پر پروانه در برزیل موجب طوفان در تگزاس می شود، این نکته را باید مد نظر قرار دهیم که به هیچ وجه نمی توان در چارچوب این پارادایم حل و فصل پرونده هسته ای را بر روابط آینده ایران و آمریکا مؤثر ندانست اما می توان گفت که غلظت این اثر گذاری و پیش بینی آن متفاوت است.

در بعد بین المللی نگرانی اصلی در واقع از سوی چین و روسیه است روسیه اگر چه ایران را متحد استراتژیک خود می داند و چین روابط بسیار گسترده اقتصادی با ایران دارد، اما هردوی این بازیگران به خوبی می دانند که تا حدود زیادی حل و فصل پرونده هسته ای می تواند بازی موجود در منطقه خاور میانه را تغییر داده و انعکاس بسیار زیادی پیدا بکند. بازیگران اروپایی به ویژه انگلیس ها به باور من از منظر زیر پوستی بسیار نگران هستند چون در آینده زمان حل و فصل پرونده هسته ای می تواند زمینه ساز ایجاد فضای مناسب در جهت عبور ایالات متحده آمریکا از منطقه خاورمیانه به خاور دور به گونه ای باشد که وضعیت ایران نسبت به گذشته کنترل شده تر و نسبت به گذشته روابط ایران و آمریکا از اصطکاک کمتری برخوردار باشد. با پیوستن احتمالی ترکیه در آینده به اتحادیه اروپا و تلاش آمریکا از جنگ سوم خلیج فارس جهت نوعی مدیریت جغرافیای عراق و کویت پس از جنگ دوم خلیج فارس ایران را نیز در کنار خود ببیند و راه عبور اروپای متحدی که با پیوستن ترکیه خواهان عبور به آبهای آزاد از طریق این سرزمین های خشکی به دریاهای آزاد و تنگه هرمز است محدود شود. اینست که انگلیس ها اگر چه متحد آمریکا هستند ولی بطور زیر پوستی با این امر چندان موافقت ندارند و ما می بینیم که گاه به گاه بسیار زیرکانه تلاش دارند که مذاکرات در یک مسیر حفظ وضع موجود باقی بماند. و فرانسوی ها هستند که به ظاهر مخالفتیابی رو مانند حرکت فابیوس در زو ۲ نشان می دهند اما

و این هیچ به نفع اسرائیل نیست چرا که اسرائیل پس از حل و فصل این ماجرا ها باید منتظر یک سونامی بزرگ در سال آینده باشد سونامی که در واقع به قبول یک دولت مستقل فلسطینی می انجامد و بسیاری از کشورهای اروپایی را بر علیه دولت حاکم بر تلاویو با رفتار کنونی اش بسیج می نماید. دولت عربستان از منظر کلاسیک (دیر زمانی یا پیر زمانی) به دنبال ایجاد یک فضای رقابتی با جمهوری اسلامی ایران است. عربستان به نیکی دریافت است که اگر ایران وارد نظام منطقه ای و نظم بین المللی پس از این جریان با احترام کامل و قدرت فراوان وارد شود می تواند تحرکات عربستان در مسیر ایجاد فضای بحران برانگیز در منطقه را محدود سازد و قدرت عربستان از منظر سیاسی کاهش پیدا کند. برای همین است که عربستان حاضر است روزی ۵۵۰ میلیون دلار خسارت پایین نگاه داشتن قیمت نفت را در جهت حفظ قدرت سیاسی خود بپردازد و بعضی از نخبگان حاکم بر ریاض حاضر می شوند پول جنگ احتمالی آمریکا بر علیه ایران را نقدا در اختیار ایالات متحده آمریکا قرار دهند. اینها مخالفان مرکزی هستند که در پیرامون خود بعضی از دولتهای عربی و بعضی از دولتهای غیر عربی منطقه رانیز همراه دارند که با غلظت های متفاوتی به عربستان نزدیک یا دور می شوند. سفر اخیر ناگهانی وزیر امور خارجه اردن به تهران و مسائلی که پیش آمد تا حدود زیادی باید در این وجه دیده شود. از این رو باید این نکته را مدنظر قرار بدهیم که در بعد منطقه ای باید روی عربستان و اسرائیل متوقف بود.

خودزنی آقای نخست وزیر

● نویسنده: حمید شجاعی (کارشناس ارشد علوم سیاسی)

حمید شجاعی



کند. همانطور که در سخنرانی اش می گوید اینجا آمده ام تا درباره موضوعی که موجودیت کشور مرا تهدید می کند صحبت کنم. از این رو وارد آمریکا می شود و تلاش می کند این موضوع را به نحوی بازگو نماید که تندروهای داخلی و بین المللی آمریکا را فعال کرده و به گونه ای رسیدن به یک توافق نهایی را با چالش مواجه سازد و به این موضوع دل بسته که می خواهد با طرح این موضوع ضعف خود و دولتش را در سیاست و اقتصاد سرپوش گذاشته و در انتخابات آتی اسرائیل با تأکید بر موضوع مقابله با ایران برای خود اندک آبرویی بخرد یا حداقل شکست آبرومندانه ای داشته باشد.

صورت فشرده در حال مذاکره هستند تا بلکه اختلافات را به حداقل برسانند و به توافق دست یابند، حضور نتانیاهو در کنگره آمریکا به مثابه کبریتی در انبار باروت خوانده شد اما این انفجار به باور بسیاری پیش از آنکه گریبانگیر پرونده هسته ایران شود گریبانگیر نتانیاهو شد، همانطور که زینبی لیونی با انتقاد از سفر نتانیاهو از سخنرانی وی در کنگره ابراز تأسف کرد و آن را در شرایط فعلی به ضرر اسرائیل دانست. قدر مسلم اینکه مذاکرات هرچه به رو به پایان می رود التهاب بیشتری می گیرد. از این رو هر دو طرف میز مذاکره باید جریان های تندرو و افراطی خود را مدیریت کنند. آمریکاییها نیک می دانند

که توافق هسته ای با ایران باید در چارچوب احترام متقابل انجام شود حل و فصل این پرونده در این برهه زمانی موجب می شود اسرائیل از حداکثر منافع خودحداقل در این برهه از زمان باز مانده که البته این را می توان در رفتار دولتمردان آمریکایی در چند وقت گذشته مشاهده کرد. اینجاست که جایگاه اسرائیل برای آمریکا و اروپایی ها از یک متحد حیاتی به یک هم پیمان مشترک المنافع تقلیل پیدا می کند و با این شرایط اسرائیل باید سالهای سختی را بگذراند و مهم تر از همه حضور یک کشور مستقل فلسطینی را به رسمیت بشناسد.

این موضوعات باعث می شود که نتانیاهو تمام فضاقت ها را به جان بخرد و به کنگره رفته و از حیثیت نداشته خود دفاع

سخنرانی نتانیاهو در کنگره آمریکا تهاجم همه جانبه ای از سوی او به باراک اوباما و سیاستهایش در قبال ایران بود.

به طور کل نفس حضور نتانیاهو در کنگره با تنش روبرو بود، از عدم حضور نمایندگان دموکرات گرفته تا بی اعتنایی باراک اوباما به حضور و سخنرانی وی، البته به نقل از نشریه دیلی تلگراف جمهوری خواهان آمریکا سخنرانی نتانیاهو در این شرایط را به سخنرانی وینستون چرچیل نخست وزیر سابق انگلیس تشبیه کرده اند که با چنین واکنش مشابهی در دوران جنگ جهانی دوم مواجه شد.

نتانیاهو با توصیف ایران به عنوان کشوری تهاجمی و توسعه طلب سعی کرد مخالفت صریح خود را با رویکرد اوباما در قبال ایران نشان دهد. علیرغم همه تلاش هایی که نتانیاهو از خود نشان داد؛ او نتوانست چیزی اضافه تر از مطالب طرح شده در باب مذاکرات ایران و ۱+۵ بیان نماید. این نشان دهنده آن است که تذکر اوباما مبنی بر عدم افشای مذاکرات بر او کارگر افتاده بود. اظهارات نتانیاهو درباره توافق هسته ای موضوع اصلی سخنرانی وی بود، او که با سخنانش می خواست به نقد سیاست خارجی اوباما پرداخته و کنگره اشتباه رویکرد اوباما برای مذاکره در جهت حصول توافق هسته ای با ایران را از دیدگاه وی درک کند؛ او طوری سخن می گفت که انگار طرفین به توافق رسیده اند، در حالیکه هنوز چیزی به امضا نرسیده است.

نتانیاهو با حمله پیشگیرانه به نتیجه مذاکرات کنونی بی اعتمادی کامل خود را نسبت به اوباما به نمایش گذاشت. وی دیدگاه خود را درباره اینکه اگر اوباما سیاست هایش در راه رسیدن به توافق هسته ای با ایران را ادامه دهد چه اتفاقی خواهد افتاد این گونه بیان می کند: کل سیاره در آینده خطر خواهد بود، مگر آنکه مانع رئیس جمهور آمریکا شویم. نتانیاهو پیام پنهانی خود را این گونه می فرستد که سیاست اوباما در قبال ایران خطر یک هولوکاست دیگر را افزایش می دهد.

در این برهه از زمان که ایران و آمریکا به



سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در مواجهه با بحران هسته ای ایران بر اساس نظریه سازه انگاری

• نویسنده: مهدی قاسمی جعفرآبادی (کارشناس علوم سیاسی)

محقق خواهد شد.

مهدی قاسمی جعفرآبادی



جایگاه برنامه هسته ای ایران در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

اولویت های سیاست خارجی آمریکا به لحاظ بین المللی بدون ترتیب عبارتند از:

۱. اطمینان از حفظ برتری ایالات متحده در برابر دیگر بازیگران بین المللی در عرصه های گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی
۲. استمرار و گسترش نظام لیبرال دموکراسی در سطح جهان
۳. حفظ بازارهای تجاری و اطمینان از جریان آزاد کالا و منابع در سطح جهان
۴. تضمین حفظ منافع شخصیت های حقیقی و حقوقی آمریکایی در خارج از مرزها
۵. تامین امنیت متحدان ایالات متحده در جهان
۶. جلوگیری از اشاعه تسلیحات کشتار جمعی در جهان
۷. مهار تروریسم و جلوگیری از ظهور جریان های مخالف نظم آمریکایی

اما علاوه بر موارد فوق، ایالات متحده هدف های مشخص تری را در خاورمیانه دنبال می کند که در ادامه اهداف جهانی قرار می گیرند که عبارتند از:

۱. ادامه توازن قدرت موجود و پیشگیری از ظهور ابرقدرت منطقه ای
۲. حفظ امنیت تنگه هرمز و ادامه جریان آزاد نفت
۳. حفظ امنیت اسرائیل
۴. رویارویی با جریان های سیاسی غرب ستیز به عبارت دیگر، اگر آنگونه که غربی ها روند کنونی برنامه های هسته ای ایران را تبدیل شدن ایران به قدرت نظامی هسته ای ارزیابی می کنند چندین بند از اولویت های سیاست خارجی و امنیتی آمریکا نقض می شود؛

اول اینکه ایران به جرگه کشورهای می پیوندد که بالفعل یا بالقوه قادر به تولید جنگ افزارهای هسته ای خواهد بود و این اقدام مغایر با اصل عدم اشاعه است.

در مرحله بعد، توان ایران را برای جلوگیری از رسیدن به این هدف نیز تهدید ایران هسته ای به نام دولت اوپاما در تاریخ ثبت نشود.

دیدگاه محافظه کاران آمریکایی در قبال برنامه های هسته ای ایران

این گروه ایران کنونی را غیر قابل اعتماد ارزیابی می کند و معتقد است هر گونه توافق با این کشور در نهایت محکوم به شکست خواهد بود. آنان تاکید دارند باید در سیاست چماق و هویج، چماق را بزرگ تر و هویج را کوچکتر کرد. از این رو، محافظه کاران آمریکایی در تلاش هستند به موازات مذاکرات ایران و ۵+۱ تحریم های بیشتر را وضع کنند تا جمهوری اسلامی در پای میز مذاکره امتیازات بیشتری را بدهد. این گروه که راه انداختن دو جنگ افغانستان و عراق را در دهه نخست قرن جاری در کارنامه خود دارند، از ورود به جنگ دیگری علیه ایران ابایی ندارند. البته یک نکته را نیز باید در نظر گرفت که بخش جمهوری خواه محافظه کاران آمریکایی علاوه بر دغدغه های فوق، نگران بهره برداری انتخاباتی رقبای دموکرات خود از حل و فصل نهایی پرونده هسته ای ایران هستند. به همین دلیل در تلاش هستند افتخار رفع تهدید ایران هسته ای به نام دولت اوپاما در تاریخ ثبت نشود.

دیدگاه لیبرال های آمریکا در قبال برنامه های هسته ای ایران

این گروه هم اکنون دولت را در آمریکا در دست دارد و از سوی اکثریت دموکرات ها و لابی میانه رو اسرائیل در آمریکا معروف به "جی استریت" پشتیبانی می شود. لیبرال ها که برخلاف محافظه کاران بر قدرت نرم ایالات متحده تاکید دارند خواهان فرصت دادن به دیپلماسی برای حل یکی از عمده ترین تهدیدات امنیتی آمریکا یعنی ظهور ایران هسته ای هستند. آنان معتقدند شرایط موجود داخلی و منطقه ای ایران به گونه ای رقم خورده که با،

به رسمیت شناختن حق هسته ای ایران و نشستن پای میز مذاکرات، راه رسیدن به هدف نهایی که همانا رفع خطر دستیابی ایران به فناوری ساخت جنگ افزارهای اتمی است

از انتقال آزاد نفت در تنگه هرمز افزایش می دهد. ظهور یک ابرقدرت منطقه ای از دیگر تبعات دست یابی ایران به توانمندی بالفعل یا بالقوه ساخت جنگ افزارهای هسته ای است که از یکسو موجب برهم خوردن توازن قوا در خاورمیانه می شود و از سوی دیگر امنیت اسرائیل را قویا به مخاطره می افکند.

در عین حال با ناامن تر شدن منطقه، تهدیدات امنیتی علیه شخصیت های حقیقی یا حقوقی آمریکا در منطقه بیشتر می شود و به ایران اجازه می دهد آن بخش از سیاست های خود را که غرب تروریسم می خواند، گسترش دهد.

باتوجه به موارد فوق، مشخص می شود حتی ظن دستیابی ایران به مرحله توانمندی ساخت تسلیحات هسته ای یا نزدیک شدن به این مرحله، خط قرمز ایالات متحده به شمار می آید. از ۱۰ سال پیش نیز که برنامه های هسته ای ایران در نظنز فاش شد، تاکنون آمریکایی ها یک حرف و یک خط را دنبال کرده اند و آن اینکه؛ "ایران باید اطمینان جامعه جهانی یا به عبارت دیگر، اطمینان آمریکا را از صلح آمیز بودن برنامه های هسته ای خود جلب کند."

برای رسیدن به این هدف نیز تفاوتی بین دموکرات ها و جمهوری خواهان در آمریکا نیست. حتی دولت باراک اوپاما نیز که باب گفتگو با ایران در این زمینه را در چارچوب مذاکرات ۵+۱ دنبال کرده هدف نهایی خود را رسیدن به این مرحله عنوان کرده است. البته همچون بسیاری از موضوعات چالش برانگیز در ایالات متحده - همچون دیگر کشورهای جهان - برای رسیدن به هدف نهایی، اختلاف نظرهای تاکتیکی وجود دارد در موضوع برنامه های هسته ای ایران، این اختلاف نظر از مرز رقابت های حزبی میان دموکرات ها و جمهوری خواهان عبور نمی کند، بلکه تفاوت میان راست راست یا محافظه کاران یا راست میانه یا لیبرال ها است.

ارزیابی سیاست خارجی اوپاما در مواجهه

با ایران بر اساس نظریه سازه انگاری

در سال ۲۰۰۸، باراک اوپاما در حالی گام در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

دولت اوباما تلاش کرد تا از طریق پیگیری امکان بکارگیری راهکارهای دیپلماتیک، در ماه‌های آغازین بدست گرفتن قدرت سیاسی در آمریکا، روش‌های تازه تری را در برابر ایران اتخاذ نماید. بخشی از این تلاش‌ها در چهارچوب «دیپلماسی تغییر بازی» و طرح گفت‌وگوهای مستقیم بدون پیش شرط با ایران عینیت یافت. در قالب سیاست جدید قرار بود تا به جای پرداختن صرف به بحث هسته‌ای، مجموعه‌ای از موضوعات اعم از مسائل سیاسی داخل ایران، مباحث حقوق بشری و غیره که جذابیت بیشتری برای همپیمانان اروپایی دارند نیز در دستور کار قرار گیرند. اما به دنبال تحولات انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در ایران، موضع اعلام شده آمریکا تغییر کرد و آمریکا به همراه شرکای اروپایی خود مجدداً به ادبیات تهاجمی سنتی در برابر ایران بازگشت و بحث اعمال «تحریم‌های فلج کننده» و حتی مطرح بودن «گزینه نظامی» را در دستور کار قرار داد. به واقع باید گفت که همواره سیاست آمریکا در مواجهه با ایران تلاش برای اعمال فشارهای هرچه بیشتر در پیرامون و درگیرسازی این کشور در داخل بوده است. نگاه آمریکایی‌ها این است که با بروز دامنه شکاف در بدنه قدرت در ایران و شکل‌گیری تعارضات اجتماعی-سیاسی در این کشور و افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، درصدد تغییر رفتار ایران برآمده و این کشور را وادار به امتیازدهی و تن دادن به عموماً سیاست خارجی اوباما با دولت بوش را کاربرد آشکار الگوی «چماق و هویج» در قبال ایران برشمرد. در مقابل، ایران نیز نشان داده که با پیشبرد رویکرد مبتنی بر «مقاومت»، آمریکایی‌ها را در تحقق اهدافشان ناکام گذاشته است. تلاش آمریکا برای جلب نظر کشورهای بیشتر به منظور پیوستن به سیاست‌های تحریمی علیه ایران، حاکی از کارآمدی نحوه مدیریت و مواجهه ایران با تحولات اخیر بوده است.



و رویکرد اعمال تحریم‌های فلج کننده مطرح شد. در اینجا بحث مذاکرات مستقیم دو جانبه از دستور کار خارج و بحث مذاکره در فضای فشار مضاعف از طریق کاهش دسترسی‌ها، منابع مالی و ابزارهای بازی سازی در سطوح منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفت. تحریم سیستم بانکی و بانک مرکزی، تحریم اشخاص حقیقی، تحریم شرکت‌های هواپیمایی و کشتیرانی و تحریم صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در راستای تحقق چنین اهدافی اعمال گردیدند. به زودی دولت اوباما اعلام کرد که سیاست این کشور در قبال برنامه اتمی ایران، نه «بهار»، بلکه جلوگیری از «دسترسی» است. از آن مقطع، دولت اوباما به سمت تشدید فشارهای بین‌المللی از طریق ایجاد یک اجماع جهانی برای افزایش تحریم‌ها برآمد و طیفی از تحریم‌های فراگیر و چندلایه را علیه ج.ا.ایران وضع و اعمال نمود.

بطور کلی باید گفت که تحریم‌های اقتصادی جدید به منظور تحقق دو دسته از اهداف طراحی و اجرا می‌شوند: نخست با عنایت به اهداف اقتصادی و دوم با نیت سیاسی - نظامی. تحریم بانک مرکزی ایران را می‌توان در قالب گروه دوم دسته بندی نمود. این تحریم در راستای اعمال فشارهای فزاینده سیاسی بر حکومت ایران طراحی شده است. لذا در یک جمع‌بندی کلی اهداف آمریکایی‌ها از اعمال تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی را اینگونه می‌توان برشمرد:

- مسدودسازی دارایی‌های بانک مرکزی ایران در سراسر جهان
- ایجاد اختلال در سیاست پولی کشور
- ایجاد اختلال در سیاست ارزی کشور
- مسدود کردن عواید حاصل از فروش نفت و جلوگیری از درآمدهای نفتی ایران
- امنیتی کردن بازار جهانی برای ایران

گذاشته بود که از لزوم بروز تغییر در سیاست خارجی آمریکا صحبت کرده و بر انجام مذاکرات بدون پیش شرط با جمهوری اسلامی تأکید داشت که نتیجه آن تنها برگزاری یک دور گفتگوی رو در رو با نمایندگان ایران در ژنو در حاشیه مذاکرات این کشور با گروه ۵+۱ بود. که البته آن مذاکرات نیز در خصوص موضوع هسته‌ای ایران نتوانستند به نتایج عملی خاصی منتج شوند. اگر چه در کنفرانس تهران، ایران از معاوضه اورانیوم غنی شده استقبال کرد اما با این وجود با مخالفت دولت اوباما مواجه گردید و آمریکایی‌ها در نهایت به سمت تشدید تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی پیش رفتند. در کنار همه اینها، تلاش برای ایجاد اخلال در روند پیشرفت برنامه‌های اتمی ایران، ترور دانشمندان هسته‌ای این کشور، خروج نام مجاهدین خلق از لیست گروه‌های تروریستی آمریکا، از دیگر اقداماتی بود که در این دوره به منظور افزایش فشارها بر ایران انجام گرفت. در حال حاضر، در چهار سال دوم، با تقویت بحث از سرگیری مذاکرات، سیاست خارجی آمریکا، به طور همزمان الگوی مذاکره در فضای فشارهای مضاعف را در قبال جمهوری اسلامی در پیش گرفته است. امری که به زعم آمریکایی‌ها منجر به کاهش توان، دسترسی و گزینه‌های بازی سازی ایران در برابر خواست جوامع غربی خواهد شد.

همانگونه که اشاره شد، تا اوایل سال ۲۰۰۹ تأکید اوباما در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر انجام مذاکرات بدون پیش شرط با ایران بود. از منظر وی، ارائه امتیازات اقتصادی به ایران می‌توانست جایگاه بالاتری به آمریکا داده و حمایت جهانی را برای افزایش فشار بر ایران در جهت متوقف کردن فعالیت‌های هسته‌ای جلب نماید. اما این روند به زودی با بروز یکسری تحولات داخلی در ایران دستخوش دگرگونی‌هایی گردید

تأثیر رسانه های غربی بر افکار عمومی در جریان بحران انرژی اتمی ایران (مطالعه موردی: شهر اهواز)

• نویسنده: مهندس بابک نعمتی (مدرس دانشگاه، کارشناسی ارشد MBA)



مهندس بابک نعمتی

شبکه را گسترش دادند. در حال حاضر نزدیک به ۸۰ درصد تجهیزات مربوط به سرورهای اینترنتی در شرکت های آمریکایی جای گرفته است و در مجموع، ایالات متحده نقش مدیریتی و کنترل را در عرصه اینترنت، ایفا میکند. طبیعی است که این مسئله برای کشورهایی که با ایالات متحده به لحاظ سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی مشکلاتی دارند، بسیار حاد است؛ چون در این جامعه مجازی که کشورها ناچارند اطلاعات زیادی را بر روی آن قرار دهند، امنیت اطلاعات در خطر جدی قرار دارد.» (لاگارد، ۲۰۰۱: ۲۳)

کارگیری گسترده و روزافزون عملیات روانی و اقناع افکار عمومی کشورهای هدف شده است (کاوناف، ۱۹۹۸).

دنی شختر با اشاره به میزان بسیار موفقیت عملیات روانی در جریان حمله به عراق معتقد است «این مسئله تأکیدی بر این نکته بود که ما دیگر در دموکراسی (مردمسالاری) سنتی زندگی نمیکنیم، بلکه در مدیاکراسی یا رسانه سالاری هستیم. سرزمینی که در آن رسانه ها، ارتش و سیاست درهم تنیده شده است» (خالد منصور، ۱۹۹۹).

باید در نظر داشت که «مؤسسات وابسته به پنتاگون، آغازگر انقلاب فناوری اطلاعات بودند. در واقع اینترنت را ارتش آمریکا با اهداف نظامی ایجاد کرد و پس از آن بخش های دانشگاهی، این

پیشرفت فناوری و توسعه وسائل ارتباطی - اطلاعاتی، که با مردم رابطه مستقیمی دارد و بر افکار عمومی مؤثر است، بیانگر اهمیت آنها در تمامی ابعاد جامعه جهانی است. به نظر کارشناسان ارتباطات، قرن حاضر، عصر تبادل اطلاعات است. بنابراین، امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در سایر نقاط جهان از این فناوریها بهره های فراوان میبرند و عملیات روانی از جمله کارکردهای این فناوریها است» (حسینی، ۱۹۹۹: ۱۰۰). با ظهور و گسترش روزافزون انقلاب اطلاعاتی-ارتباطی، طبیعت سیاستها و الگوهای اعمال قدرت، متحول شده و توسعه شیوه های الکترونیکی و رایانه های ضرورت بیشتری یافته است. تحولات در زمینه فناوریهای ارتباطی-اطلاعاتی، نظیر انفجار اطلاعات و انقلاب اطلاعاتی و تأثیرات عمیق رسانه ها در شکلگیری افکار عمومی موجب شده است تا توسعه فناوریهای عظیم ارتباطی، شبکه های رایانه ای، ماهواره ها، شبکه های تلویزیونی جهانی، بسیاری از مفروضات و اصول پیشین قدرت را به چالش بطلبد» (کاپلان، ۲۰۰۱: ۷۲) و «چنان جغرافیای جدیدی از مناسبات قدرت را در سطح جهان پدید آورد که تا بیست سال پیش، حتی تصور آن هم، غیرممکن بود. جغرافیای جدید، جغرافیایی مجازی است و مقاومت های سیاسی و فرهنگی، ناگزیر باید در همین فضای الکترونیکی عرض اندام کند». امروزه «اهمیت فناوریهای ارتباطی-اطلاعاتی بویژه رسانه های نوین به دلیل کارویژه های آنها است و سیاستمداران و دولتمردان میکوشند تا از طریق آنها مخاطبان آن سوی مرزها را تحت تأثیر قرار دهند؛ چرا که رسانه ها ابزار قدرت نرم به شمار می روند و از توانایی لازم و مؤثری برای نفوذ در افکار عمومی آن سوی مرزها برخوردارند». این ویژگی وسایل ارتباطی-اطلاعاتی جدید، زمینه ساز به



روش تحقیق

با توجه به هدف پژوهش و موضوع تحقیق، و با در نظر گرفتن این نکته که این پژوهش در راستای بررسی تاثیر رسانه های غربی بر افکار عمومی در جریان بحران انرژی اتمی ایران، ۱ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی طراحی گردیده است. برای انتخاب نمونه تحقیق با توجه به محدودیت جامعه، از روش سر شماری (انتخاب کل جامعه به عنوان نمونه) استفاده شده است و

عملیات آماری روی کل جامعه (۴۷ پرسشنامه) صورت گرفته است. پژوهشگر پس از تهیه و تنظیم موضوع تحقیق باید در فکر انتخاب روش تحقیق باشد. هدف از انتخاب روش تحقیق این است که مشخص نماییم برای بررسی موضوعی خاص چه روش تحقیقی لازم است و محقق چه روش و شیوه‌ای را اتخاذ کند تا هر چه دقیقتر و سریعتر به پرسش یا پرسشهای تحقیق مورد نظر دست یابد.

این پژوهش از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر مکانی از نوع تحقیقات میدانی است، زیرا داده های تحقیق را در چارچوب جامعه و یا نمونه آماری با حضور در آنها و با استفاده از پرسشنامه گردآوری می نماید. این پژوهش از نظر روش در زمره تحقیقات توصیفی-پیمایشی است.

یافته‌های تحقیق

- آزمون فرضیه‌ها از طریق آزمون همبستگی اسپیرمن

H۰: میان کارکرد رسانه های جمعی و مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی رابطه معناداری وجود ندارد.

H1: میان کارکرد رسانه های جمعی و مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱: رابطه بین معناداری رسانه های دیداری و افکار عمومی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب همبستگی اسپیرمن	نتیجه
رسانه های دیداری	۱۶٫۸۱	۴٫۶۲۵	r = ۰٫۷۷۹ Sig = ۰٫۰۰۱	معنی دار است
افکار عمومی	۱۵٫۸۱	۳٫۴۵۱		
رسانه های شنیداری	۱۸٫۸۵	۳٫۸۱۴	r = ۰٫۸۱۱ Sig = ۰٫۰۰۱	معنی دار است
افکار عمومی	۱۵٫۸۱	۳٫۴۵۱		
رسانه های مکتوب	۱۷٫۴۱	۴٫۳۱۳	r = ۰٫۶۸۲ Sig = ۰٫۰۰۱	معنی دار است
افکار عمومی	۱۵٫۸۱	۳٫۴۵۱		
رسانه های مجازی	۱۷٫۲۸	۴٫۷۰۰	r = ۰٫۶۰۹ Sig = ۰٫۰۰۱	معنی دار است
افکار عمومی	۱۵٫۸۱	۳٫۴۵۱		
N=۱۰۰ . P < ۰٫۰۱				

ضریب همبستگی بین رسانه ها و افکار عمومی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. یافته های تحقیق نشان داد که بین رسانه های مجازی و افکاری عمومی در حل مسئله هسته ای ایران در سطح ($\alpha = ۰٫۰۱$) رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه H0 رد و فرضیه مقابل H1 تأیید می شود.

نتیجه گیری

در نهایت با انجام آزمون فرض آماری برای فرضیه‌ها هر چهار فرضیه مورد تأیید قرار گرفته شد بطور کلی خلاصه نتایج مربوط به فرضیات تحقیق در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴ خلاصه نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

فرضیه ها	نتایج
رسانه های دیداری مانند تلویزیون در مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی تاثیر دارند.	تأیید فرضیه پژوهشی
رسانه های شنیداری مانند راديو در مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی تاثیر دارند.	تأیید فرضیه پژوهشی
رسانه های مکتوب مانند روزنامه ها و مجلات در مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی تاثیر دارند.	تأیید فرضیه پژوهشی
رسانه های مجازی مانند خبرگزاری ها در مسئله اتمی ایران در سال های اخیر بر افکار عمومی تاثیر دارند.	تأیید فرضیه پژوهشی

یک پرونده، یک تجربه

• نویسنده: حسین عبداللہی (دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه آزاد قم)



حسین عبداللہی

جدی بوده حمایت ضمنی خود را از توافق احتمالی اعلام نموده، با این حال هنوز از فعالیت های منطقه ای ایران ابراز نگرانی می کند. چندی پیش نیز رهبر معظم انقلاب نیز موافقت خود با یک توافق خوب را اعلام کردند. اما همانطور که گفته شد تا مرحله جامع یک مرحله مانده و آن اراده ی سیاسی طرفین است. بنابراین بجاست در اینجا مسئله ی اراده سیاسی را از بعد داخلی اندکی مورد واکاوی قرار دهیم.

نگارنده به هیچ وجه به دنبال آن نیست که از پرونده ی هسته ای برای برتری یکی بر دیگری در مسائل جناحی استفاده کند. اما این سوال مطرح است. هر کشوری یکسری اصول ثابتی در سیاست خارجی دارد. این اصول ثابت متشکل و تاثیر پذیرفته از عناصری چون ساختار نظام بین الملل، ویژگی های جغرافیایی سیاسی، نظام اقتصادی و فرهنگ عمومی و سیاسی کشور است، فلذا از آنجا که این ویژگی تقریباً پایدار هستند و به سختی تغییر می کنند با تغییر دولت ها و حتی با تغییر نظام های سیاسی نیز این سیاست ها تحول چندانی نمی کنند. اما بعد دیگر ساختار سیاست خارجی هر کشور ماهیت نظام سیاسی و ماهیت دولتمردان (گروه های مختلف نخبگان سیاسی) آن است. در این جا مسئله را از بعد دولتمردان واکاوی می کنیم. این دولتمردان هستند که در تعریف منافع ملی و تعیین الویت های اهداف ملی با یکدیگر دارای تفاوت هستند. هر کدام از این نخبگان سیاسی نگاه های متفاوتی به منافع ملی دارند. نکته مهم این است که همواره اهداف ملی، تابع تعریف ما از منافع ملی است. عده ای هر سیاستی را که باعث افزایش ثروت ملی و قدرت ملی شود را در راستای منافع ملی تعریف می کنند، عده ای دیگر نیز که داری دیدگاه های فراملی هستند و عموماً از منبع یک ایدئولوژی خاص تغذیه می کنند، از تمام امکانات کشورشان در جهت تحقق آرمان های فراملی خود استفاده می کنند.

گسترده ی علیه صادرات نفت و سیستم بانکی کشور به اجرا درآمد. تا جایی که به دنبال آن بودند که میزان خرید نفت از ایران را به صفر برسانند. تحریم ها روز به روز ابعاد گسترده تری می یافت تا جایی که جیکوب لیو وزیر خزانه داری آمریکا گفت: ردپای تحریم ها در تولید ناخالص داخلی ایران، ارزش ریال، نرخ بیکاری و نرخ تورم به چشم می خورد و این تصویری خوب از چشم انداز اقتصادی ایران را به نمایش نمی گذاشت. وی همچنین خاطرنشان کرد تحریم های کنونی، سخت ترین تحریم ها در طول تاریخ است که جامعه ی بین المللی به شکل معتبری از آن حمایت می کند. تحریم هایی که با همراهی عامل دیگری یعنی مدیریت ناکارآمد اقتصادی در آن دوره کشور را وارد یک رکود اقتصادی کرد. رشد اقتصادی حدود ۶- درصد، تورم بالای ۴۰ درصد و بیکاری بالای ۲۰ درصد فقط بخش هایی از تبعات این مسئله بود. اما این روند با حضور حسن روحانی در کاخ ریاست جمهوری تداوم نیافت.

این نوشتار در ادامه به دنبال آن است که این پرونده را از بعد داخلی مورد واکاوی قرار دهد. این که چرا در دوره گذشته عملاً این مساله هیچ خروجی مثبتی نداشت اما در دوره اخیر با تمهیداتی که اندیشیده شده گام های مثبتی جهت حل مساله برداشته شد. با آغاز ریاست جمهوری آقای روحانی پرونده هسته ای ایران از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه سپرده شد. سپس رایزنی ها و مذاکرات گوناگون منجر به انعقاد یک توافقنامه موقت در ژنو گردید، تا با حل اختلاف های گوناگون در یک پروسه زمانی دیگر به یک توافقنامه ی جامع برسند. پس از طی این پروسه ی زمانی نیز گزارش های موجود حاکی از در دسترس بودن توافقنامه جامع است. طرف مذاکره کننده ایرانی صحبت از پایان مذاکرات در مورد ابعاد فنی پرونده میکند و بر این مسئله اذعان دارند که تنها مرحله موجود تا انعقاد توافقنامه جامع اراده ی سیاسی طرفین است. همچنین سفر اخیر جان کری وزیر امور خارجه آمریکا به منطقه و مذاکره با عربستان نیز نشانه هایی از نزدیکی توافق جامع دارد چرا که عربستان که در مرحله توافق ژنو از منتقدین

مسئله هسته ای ایران بیش از ده سال است که به یکی از پرحاشیه ترین و جنجالی ترین مسائل منطقه و جهان تبدیل شده است. این مساله پروسه هایی را طی کرده و سرانجام در حال نزدیک شدن به یکی از حساس ترین مراحل خود شده است. این نوشتار سعی بر آن دارد که مرور خلاصه ای داشته باشد بر این مسیر تقریباً ده ساله و سپس به واکاوی ابعاد داخلی مساله بپردازد.

تجربه بیش از دو قرن وابستگی به شرق و غرب همواره یکی از عوامل مهمی بوده که نخبگان سیاسی ایران را به نظام جهانی بدبین کرده است. تحت تاثیر همین مساله بود که برنامه ی هسته ای ایران در دوران دولت آقای هاشمی رفسنجانی به صورت محتاطانه و محافظه کارانه پیش میرفت. اما در دوران بعدی در دولت آقای خاتمی و در زمان دبیری دکتر حسن روحانی بر شورای عالی امنیت ملی ایران به صورت داوطلبانه اقدام به علنی کردن برنامه ی هسته ای خود کرد. به دلایل بدبینی دوطرف به یکدیگر قرار شد تا در قالب یک توافقنامه ایران به ازای تعلیق موقت برخی از فعالیت های هسته ای امتیازاتی را بگیرد و هم جامعه جهانی در یک پروسه اعتماد ساز به استقبال یک ایران اتمی برود. اما با به قدرت رسیدن نومحافظه کاران در ایالات متحده آمریکا و به دلیل لابی گری اسرائیل باعث شد همه توافقات میان ایران و سه کشور اروپایی برهم بخورد و آمریکا به دنبال طرحی برای نابود سازی کامل برنامه ی هسته ای ایران برود. از این رو پرونده ی ایران به شورای امنیت منتقل شد. در این برهه ایران برای اینکه از دامنه بحران بکاهد در زمان دبیری علی لاریجانی بر شورای عالی امنیت ملی به دنبال یک توافق دیگر بود. بار دیگر مذاکرات ایران را در آستانه یک توافق بزرگ قرار داد، اما به خاطر عدم اجماع داخلی و برخی کارشکنی های خارجی این مسیر نیز به شکست منجر شد. پس از شکست مذاکرات به خاطر اختلاف نظرهای داخلی علی لاریجانی از سمت خود استعفا داد و سعید جلیلی جایگزین او در شورای عالی امنیت ملی شد. این دوره نیز به صرفاً مذاکره برای مذاکره گذشت و ثمربخش نبود. البته دامنه ی فشارها بیشتر شد. تحریم

این گروه های سیاسی اجتماعی اقتصادی مختلف بنا به تعریفشان از منافع ملی هر کدام سلسله گذاری خاص خود را برای الویت های ملی قائل اند. برای روشن شدن هر چه بهتر مساله به ذکر یک مثال می پردازم. کشور شوروی سابق پس از انقلابش به دنبال صدور انقلاب به تمام جهان بود، برای همین از تمامی امکانات کشور در جهت تحقق این هدف استفاده میکرد. رفتار توسعه یافته امروزه این است برای نیاز های گوناگون سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و فرهنگی، امکانات مادی و معنوی کشور را به اندازه مورد نیاز، برای همه ی نیازها تقسیم می کنند. اما شوروی مانند شوروی سابق از تمام امکانات کشور در جهت تحقق آرمان های فراملی خود که در زیر یک چتر واحد جمع می شدند یعنی صدور انقلاب، استفاده کرد. از آنجا پدیده ای مانند صدور انقلاب به طور حتم با منافع دیگر کشورها دچار برخورد و تصادم است، فلذا یکی از حیاتی ترین مقولات برای پیگیری این اهداف، تقویت هر چه بیشتر بخش نظامی است. از آنجا که امکانات مادی، معنوی هر کشور محدود است پس امکانات را از سبدها گوناگون نیازهای کشور برداشته و در سید نظامی قرار می دهند. اما بعد از روی کار آمدن گورباچف، ایدئولوژی که در راس سلسله مراتب اهداف ملی قرار داشت، اهمیت درجه یک خود را از دست داد و جای خود را به توسعه اقتصادی و فناوری داد. چرا که سیاست های گذشته برای شوروی بسیار هزینه زا بود و آینده روشنی نیز حتی پس از تحمل هزینه ها

متصور نبود. البته نگارنده با توجه به نمونه کره شمالی در حال حاضر که تمامی درهای خود را بروی جهان بسته و پای ایدئولوژی خود ایستاده و هر از چندگاهی گزارشاتی مبنی بر آدمخواری در آن به گوش می رسد، آینده ای را که آن گروه از دولتمردان شوروی در پی آن بودند را میتواند متصور شود. پس همانطور که بیان شد تفاوت ها در تعریف منافع ملی و به تبع آن در تعیین الویت های اهداف ملی است. گروه هایی بودند که به سبب نوع ایدئولوژی شان در الویت بندی اهداف ملی شان بدنبال تقویت بخش نظامی بودند و در پی آن بودن که تمام منابع را تا آنجا که ممکن است به الویت های مد نظر خود اختصاص بدهند تا بتوانند اهداف فراملی خود را محقق کنند و ایدئولوژی خود را به تمام جهان تعمیم دهند یا به عبارتی به دنبال توسعه ایدئولوژی خود بودند و گروه های دیگری نیز بر توسعه اقتصادی و مسائل رفاهی جامعه تاکید داشتند، به عبارتی برای آن ها متر و ملاک هر تصمیمی هزینه و فایده آن در جهت توسعه اقتصادی است یعنی هر هدفی که منجر به افزایش ثروت ملی و قدرت ملی میشد در الویت اول قرار می گرفت، در واقع میتوان گفت آنها بدنبال ایدئولوژی توسعه بودند نه توسعه ایدئولوژی. اگر سرانجام نوعی توافق بر سر الویت های اهداف ملی حاصل شود، برآیند دیدگاه های ذکر شده به صورت بخشی از سیاست خارجی یک کشور میشود، اما اگر نوعی توافق برسر این الویت های اهداف ملی صورت نگیرد، نظام سیاسی دچار بحرانی به عنوان بحران تعیین

هدف های ملی میشود، در این حالت بر اثر اینکه هریک از گروه ها بدنبال پیگیری الویت های مدنظر خود است، جهت گیری سیاست خارجی دچار سردرگمی و اغتشاش میشود و در این بین تمام امکانات و منابع مادی و معنوی کشور به هدر میرود و به خاطر نداشتن سیاست خارجی مشخص، به جای تاثیر گذاری بر رفتار بازیگران بین المللی و به دست گرفتن ابتکار عمل و اینکه خود تغییرات را مدیریت کنند، تحت تاثیر سیاست ها و راهبردهای دیگران قرار میگیرند.

پس مسئله ی هسته ایران که این روز ها به ایستگاه پابانی نزدیک میشود و فقط منتظر اراده سیاسی طرفین است، اراده طرف ایرانی منوط به توافق داخلی در تعیین الویت های ملی است.



دیوار بی اعتمادی یا اختلافات هسته‌ای

● نویسندگان: سید احمد سادات الحسینی و نصراله داودوندی (دانشجویان کارشناس ارشد روابط بین الملل)



سید احمد سادات الحسینی

است و قطعاً از طرق مسالمت آمیز قابل حل و فصل خواهد بود، حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای را به استناد مواد ۲ و ۳ اساسنامه آژانس و مواد ۳ و ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دارد و قدرتهای جهانی و آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت ملل متحد بعنوان ضمانت اجرای تعهدات هسته‌ای، نمی‌توانند بر خلاف اساسنامه آژانس و معاهده NPT هیچ کشوری، از جمله ایران را از این حق قانونی خود محروم نمایند. هرچند حق نظارت دقیق و مستمر تا نیل به صلح آمیز بودن اقدامات هسته‌ای در اقصی نقاط جهان از جمله وظایف ذاتی آژانس که در مفاد محوری NPT (مواد ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶) آمده، محفوظ و محترم است و ایران نیز نمی‌تواند از رعایت این قواعد بین‌المللی مستثنی باشد. و این وظیفه دستگاه دیپلماسی ما را بسیار سنگین و خطیر می‌نماید تا ضمن احترام به خواسته‌های انسانی و صلح آمیز بشریت با خرد، ابتکار و هوشمندی و استفاده از تمام ظرفیتهای داخلی و خارجی و تمکین به قواعد بین‌المللی، بی‌اعتمادی شکل گرفته در افکار جهانیان نسبت به خود را مدیریت کرده و بتوانیم در تحقق حقوق هسته‌ای ملت ایران دست رد بر خواسته‌های ناعادلانه و غیر معقول نظام سلطه بزنیم. حق دسترسی ملت ایران به فناوری صلح جویانه هسته‌ای از مصادیق بارز «حق توسعه»، «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» و «حق طبیعی»، «حق علمی» می‌باشد. این دسته از حقوق، در زمره حقوق بنیادین بوده و هرگونه نقض آن‌ها مسئولیت بین‌المللی در قبال ملت زیان دیده و جامعه بین‌المللی را به طور کلی فراهم می‌سازد و شایسته است آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چهارچوب اساسنامه خود و سایر معاهدات بین‌المللی ضمن نظارت کامل بر روند فعالیتهای هسته‌ای ایران و سایر کشورها و دور از هرگونه اقدام تبعیض آمیز طبق بند ۴ معاهده NPT زمینه صلح، پیشرفت و عدالت را در گستره جهانی فراهم نماید و توجه داشته باشند که ملت ایران نیز همچون سایر ملل جهان، به هر قیمت ممکن حاضر به مصالحه و چشم‌پوشی از منافع ملی و حیاتی خود نخواهند بود.

تحمیلی علیه ایران و از طرف دیگر بر جای ماندن ردپای آنان در اقدامات تروریستی سالهای اول انقلاب و همچنین آثار بر جای مانده از بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از طرف عراق، که عمده‌تاً از طرف همان کشورها در اختیار صدام قرار می‌گرفت و عدم اقدام مؤثر از سوی مجامع بین‌المللی در این خصوص و موارد متعدد دیگر از جمله گزارش‌های دو پهلوی آژانس و برخوردهای دوگانه اینگونه مجامع در نظام بین‌الملل، موجب شکل‌گیری دیوار رفیع بی‌اعتمادی در ایران نسبت به مجامع بین‌المللی و برخی از قدرت‌های غربی گردید.

از طرف دیگر، شرایط و حوادث انقلابی در ایران و برخی از اتفاقات ناشی از این رویداد بین‌المللی که بعضاً خواسته یا ناخواسته، سیاست‌های ایران را نوعی تهدید علیه صلح و امنیت جهانی جلوه می‌داد؛ مواردی از قبیل حمایت از جنبش‌های اسلامی و حرکتهای آزادی‌خواهی در برخی از کشورهای جهان، از جمله حمایت از گروه‌های آزادی‌بخش در لبنان و فلسطین که همواره مورد اختلاف ایران با جهان غرب بوده است و آنها آن را به زعم خود نوعی حمایت از تروریسم تلقی می‌کنند، بی‌اعتمادی زیادی در اذهان جهانیان نسبت به ایران انقلابی شکل گرفت. و با مشخص شدن اقدامات مخفیانه ایران در فراوری اورانیوم این بی‌اعتمادی و نگرانی شدت بیشتری گرفت. این در حالی بود نگران کننده‌ترین بخش اقدامات هسته‌ای ایران زمانی شکل گرفت که غنی‌سازی اورانیوم به حد ۲۰ درصد رسید و در سال ۲۰۱۳ اعتقاد بر این بود که ایران برای دستیابی به اورانیوم کافی به منظور تولید یک سلاح هسته‌ای به یک تا دو ماه نیاز دارد.

با مروری بر پرونده هسته‌ای ایران و بررسی فعالیت‌های هسته‌ای این کشور و همچنین مباحث مطرح در روند مذاکرات ایران و ۵+۱ و گزارشها و بیانیه‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این زمینه، و با نگاهی گذرا بر موازین بین‌المللی در خصوص فعالیتهای هسته‌ای، بویژه معاهده NPT که از عدالت و بهرمندی همه کشورها از حقوق صلح آمیز هسته‌ای دفاع می‌کند، ایران و با هر کشور دیگری در چهارچوب رعایت مفاد این معاهده بین‌المللی جدای از اتفاقاتی که منجر به بی‌اعتمادی متقابل گردیده

از جمله مهمترین مباحث و چالش‌های سیاسی و حقوقی ایران طی دهه گذشته با مجامع بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ جهانی و تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل، برنامه هسته‌ای ایران بوده است. برنامه‌ای که ایران آن را کاملاً منطبق بر موازین بین‌المللی دانسته و طرفین مقابل همواره این اقدامات را تلاشی در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای قلمداد نموده‌اند و در غیر صلح آمیز بودن این فعالیت‌ها در گزارش‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های مکرر، برخورد تخطی ایران از تعهداتش نسبت به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) صخه گذاشته‌اند.

در حال حاضر مهمترین دیپلماسی در سیاست خارجی ایران به نتیجه رساندن و حل معقولانه موضوع فعالیتهای هسته‌ای است و در شرایط نظام تک قطبی که شکل جدیدی از تحولات جهانی در روابط بین‌الملل را موجب شده است و دولتها، تلاش و تعامل مضاعفی را در دستیابی به جایگاه مورد نظر خود دنبال می‌کنند. دست اندر کاران سیاست خارجی ایران نیز باید با تدابیر و تامل به جایگاه واقعی ایران که در شأن این ملت بزرگ باشد، بتوانند در حد و اندازه کشور خود در معادلات مهم بین‌المللی ابراز وجود، عزت و اقتدار نمایند. با این حال منازعه و کشمکش بر سر توقف یا استمرار فعالیتهای هسته‌ای ایران بیش از یک دهه است که ابتدا بین ایران و سه کشور اروپایی و پس از آن با ورود چین و روسیه و نهایتاً با ورود آمریکا به شیوه مذاکره ادامه دارد و بی‌اعتمادی متقابل عمیقی بر روند پیشرفت این مذاکرات سایه افکنده است.

گزارشهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک دهه قبل، حاکی از آن بود که ایران چندین سال برنامه‌های هسته‌ای خود را به صورت مخفیانه انجام داده است البته برخی از ادعاهای آژانس مورد تایید مسئولان ایرانی قرار گرفت امری که بنظر منطقی، اما غیر حقوقی و بر خلاف معاهده NPT است. عمده دلایل منطقی ایران، عدم پایبندی برخی از کشورها نسبت به اجرای تعهدات هسته‌ای شان در ایران بود کشورهایی که امروزه خود طرف مذاکره با ایران هستند، بویژه با کنار کشیدن یکی پس از دیگری آنها در تکمیل و راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، و همچنین موضع حمایتیهای جانبدارانه آنها از عراق در طول جنگ

اتحادیه اروپا، دیپلماسی تحریم و پرونده هسته ای ایران

سید مجتبی جلال زاده



نویسنده: سید مجتبی جلال زاده (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

پرونده هسته ای ایران و مباحث پیرامون آن به یکی از موضوعات راهبردی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده که خود به امری چالش برانگیز میان ایران و غرب منجر شده و تمامیت روابط خارجی ایران را تحت تأثیر خویش قرار داده است. پرونده ای که ماهیت حقوقی و فنی آن، ماهیتی سیاسی و امنیتی در بُعدی بین المللی پیدا کرده است. از طرف دیگر اتحادیه اروپا که به تنهایی در برگیرنده سه عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد می باشد، به عنوان بازیگری با تأثیرگذاری بیشتر نسبت به گذشته ی خود در عرصه بین الملل ظاهر شده است.

اروپایی ها از فعالیت های هسته ای ایران بیش از آمریکاییان نگرانند و بر مبنای استراتژی امنیت اروپا که در دسامبر ۲۰۰۳ تصویب گردید، ژئوپلیتیک جایگاهی ویژه نزد آنان یافته است. اروپایی ها، خاورمیانه را همسایه خود تلقی می کنند و معتقدند اگر هریک از کشورهای این منطقه به قدرتی نامتقارن و برتر دست یابد، در این صورت قادر خواهد بود وضع موجود و موازنه قدرت در سطح منطقه و نظام بین الملل را تحت تأثیر خویش قرار دهد. همچنین افزون بر نگرانی ها در زمینه امنیت بین الملل، نسبت به امنیت خود قاره اروپا که رفته رفته در بُرد موشک های ایران قرار می گیرد، بسیار حساس می باشند.

پرونده هسته ای ایران نیز به دلیل حساسیت و رویکرد مختلف قدرت های بزرگ، زمینه مساعدی برای هنرنمایی و نمایش قدرت دیپلماسی این اتحادیه به شمار می آید. از آغاز بحران هسته ای ایران، اتحادیه اروپا خود را به عنوان یکی از طرف های اصلی حل و فصل این مسئله معرفی نموده و با ورود به روند حل و فصل این موضوع، راه حل دیپلماتیک و مذاکره را در پی گرفته است. بر اساس گفته خاویر سولانا (مسئول وقت سیاست خارجی اتحادیه اروپا) اروپایی ها به دنبال بازداشتن ایران از ادامه روندی که از دید آن ها دست یابی ایران به تسلیحات هسته ای می شود، از سیاستی دوسویه بهره می برند؛

یعنی از یک سو بر ادامه روند مذاکره و دیپلماسی تأکید کرده و از دیگر سو با تنظیم قطعنامه و وضع تحریم های اقتصادی و بازرگانی، در صدد تنبیه ایران برای ترک غنی سازی اورانیوم برآمده اند.

رویکرد اتحادیه اروپا در بحث پرونده هسته ای ایران، با آمریکا تفاوت دارد و این تفاوت را می توان در اصرار این اتحادیه به استفاده از قدرت نرم خویش یافت. اتحادیه اروپا بر این باور است که در برخورد با فعالیت های هسته ای ایران «دیپلماسی تحریم» در مقابل «گزینه جنگ» مؤثرتر و کم هزینه تر است. این اتحادیه در برخورد با برنامه هسته ای ایران از گزینه آمریکایی یعنی استفاده از زور و تهدید نظامی حمایت نکرده و با ردّ گزینه توسل به زور، دیپلماسی تحریم ایران را در پی گرفته است و توانسته آمریکا را با خود همراه سازد؛ به کارگیری مجازات های اقتصادی و تحریم های فراگیر، و رای مصوبات شورای امنیت، در هماهنگی کامل با آمریکا، مورد توجه اتحادیه اروپا است. اتحادیه اروپا با مردود شمردن گزینه جنگ، دیپلماسی مبتنی بر تحریم های اقتصادی و بازرگانی را راهکاری مناسب برای برخورد با فعالیت های هسته ای ایران می داند و می کوشد همراه با بالا بردن هزینه های سیاسی، اقتصادی و بین-المللی ایران، سرانجام جمهوری اسلامی را به دست کشیدن از فعالیت های هسته ای حساس خود مجاب کند. تحریم های زیادی طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ تصویب شده که نسبت به تحریم های قبل سنگین تر و شامل بسیاری از زمینه های اقتصادی، تجاری، بانکی، نفت و گاز و بنزین، حمل و نقل و... در ایران است که این خود به دلیل تأمین نظر آمریکا باعث نزدیک شدن دوسوی آتلانتیک به یکدیگر نیز شده است.

نتیجه: به نظر می رسد اتحادیه اروپا با دیپلماسی تحریم و افزایش فشار، خواهان جلوگیری از یک جنگ احتمالی در منطقه حساس خاورمیانه است. این اتحادیه همچنین به دنبال هماهنگی و همراهی با آمریکا برای نشان

دادن یک سیاست مشترک در برخورد با ایران می باشد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا معتقدند که افزایش فشارهای اقتصادی، مالی و سیاسی توانایی آن را دارد که سرانجام ایران را وادار به عقب نشینی از مواضع خود کند تا غنی سازی با غلظت بالا و فعالیت های حساس هسته ای را کنار بگذارد و در این میان به هیچ وجه نیازی به آتش افروزی و آغاز جنگی جدید در منطقه حساس خاورمیانه و در نزدیکی مرزهای اروپا نمی بیند. /پایان

***** الکساندر جورج نخستین بار از اصطلاح «دیپلماسی تحریم» استفاده کرد. هدف نظری «دیپلماسی تحریم» منصرف کردن کشور هدف از انجام اقدام یا اقدامات معینی است. دیپلماسی تحریم دارای سه ویژگی اصلی است: الف) تقاضا، ب) تهدید و مجازات، ج) ایجاد فرصت برای موافقت. متقاعد ساختن کشور مقابل هدف استفاده از تهدید و تحریم است. همچنین، هزینه های عدم موافقت با تقاضاهای اجباری، بسیار زیاد است. دیپلماسی تحریم برآورد هزینه را روشن ساخته و سعی می کند زمینه های تعرض و حمله را دور کند تا کشور هدف وادار به توقف فعالیت های خود شود.*****

نگاهی گذرا به کشورهای دارای انرژی هسته‌ای

• نویسنده: بشرا امجدی (دانشجوی کارشناسی مدیریت فرهنگی)

عراق استفاده کرده باشد. این کشور برخی از مناطق استرالیا را با آزمایشات هسته‌ای خود غیر قابل سکنا نموده است.

۳- روسیه

۴- فرانسه (در آزمایشات هسته‌ای خود مشکلاتی را برای کشور نیوزلند پیش آورد).

۵- چین

۶- آلمان

۷- هند

۸- بلژیک

۹- هلند

۱۰- پاکستان

۱۱- ایتالیا

۱۲- ترکیه

۱۳- کره شمالی

۱۴- رژیم صهیونیستی (اسرائیل)

چهار کشور آخر فقط جنبه نظامی هسته‌ای را دنبال کرده‌اند و اسرائیل و کره شمالی صرفاً به تولید سلاح هسته‌ای جهت مصارف نظامی دست زده‌اند.

حال باید چه گفت؟ ایران باید پاسخگوی کشورهای باشد که خود دارای سلاح هسته‌ای هستند؟

نهایتاً گفته‌های رهبری در زمینه انرژی صلح آمیز هسته‌ای برای همه حجت است و پیروی همه وطن‌دوستان از ایشان چه عملی چه حرفی واجب است نه فقط از لحاظ شرعی بلکه از لحاظ عقلی که نه ویژه‌ی افراد متشرع بلکه همه انسانهای آزاده را شامل می‌شود.

آیا جامعه جهانی، ۱۴ کشوری که دارای سلاح هسته‌ای و یا بدنبال سلاح هسته‌ای هستند را رها نموده و به ایجاد فشار بر کشور ایرانی است که بدنبال انرژی هسته‌ای است؟

متأسفانه باید گفت بله. این حقیقت دارد. این چهارده کشور زیر خاکستر مقاصد نظامی هسته‌ای خود را دنبال می‌کنند و به نوآوری در ساخت و تولید سلاح‌های هسته‌ای نیز می‌پردازند.

در حال حاضر ۱۴ کشور در زمینه سلاح هسته‌ای فعالیت دارند و ۳۰ کشور در زمینه انرژی هسته‌ای. از کشورهایی که بدنبال سلاح هسته‌ای هستند ۴ کشور صرفاً بدنبال مساله نظامی آن هستند و این یعنی تولید بمب اتم.

جانانان گرانوف رئیس موسسه امنیت جهانی می‌گوید: چرا ما در مورد کشوری که ممکن است بدنبال سلاح هسته‌ای باشد تمرکز کرده ایم در حالی که، کشورهایی دارای زرادخانه‌های سلاح اتمی هستند و فشاری بر روی آنها نیست؟

وی گفت فقط یک درصد از زرادخانه‌های دنیا می‌تواند به تمدن بشری پایان دهد و برخی کشورها دارای سلاح‌های سنگین هسته‌ای هستند و این را مخفی می‌کنند. (الجزیره)

چرا کسی به این سوال پاسخی نمی‌دهد که به راستی چرا اینگونه است؟ قدرتهای غربی خود بهتر از برخی از افراد ساده لوح داخلی می‌دانند که این بهانه‌ای، برای فشار بر ایران است، قدرت هسته‌ای برای هر کشوری ایجاد مسئولیت می‌کند. به هیچ عنوان تصور درگیری نظامی بین دو کشور هسته‌ای امکان پذیر نیست. آیا اولاند درست می‌گوید بمب اتم تضمین کننده صلح جهانی است؟ شاید این حرف رئیس جمهور فرانسه صحیح باشد. ولی آیا این تنها راه حل است؟ مطمئناً نه.

جهان عاری از سلاح غیر متعارف می‌تواند صلح واقعی را در جهان پدیدار سازد نه صلحی که آویزان تشر سلاح هسته‌ای باشد.

اسامی ۱۴ کشوری که خود دارای سلاح هسته‌ای یا بدنبال آن هستند:

۱- ایالات متحده آمریکا (آمریکا تنها کشوری است که از این سلاح به صورت کاملاً غنی شده یا به عبارتی به شکل بمب اتمی بر علیه بشریت استفاده کرده است).

۲- بریتانیا (احتمال دارد این کشور از مشتقات کمتر غنی شده آن بر علیه نظامیان و غیر نظامیان

آشنایی با اصطلاحات فن آوری هسته‌ای و انرژی اتمی

محمد غفوری



● گردآورنده: محمد غفوری (کارشناس ارشد روابط بین الملل)

معاهده ان پی تی چیست؟

معاهده ان پی تی مشتمل بر ۱۱ ماده است که سه ماده آن بیشترین چالش را به دنبال داشته است. براساس ماده چهار حق تمامی کشورها برای توسعه فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای به رسمیت شناخته شده و براساس ماده شش نیز باید تمامی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای زمینه خلع سلاح را فراهم کنند و براساس ماده ۱۰ این معاهده نیز کشورها محق شناخته شده‌اند هرگاه که احساس کردند مفاد معاهده برخلاف منافع ملی‌شان است از آن خارج شوند. اهداف اصلی این معاهده چون خلع سلاح جهان، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، به مرور زمان منحرف شده است.

پادمان چیست؟

پادمان در فارسی به معنای نظارت و حراست کردن و اسم مصدری است که از ریشه فعل پاییدن گرفته شده است. پادمان امروزه در اصطلاح به مقررات نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته می‌شود که شامل انواع بازرسی‌ها می‌شود. از زمان تاسیس آژانس در سال ۱۹۵۷، سامانه پادمان‌های آن به عنوان ابزار ضروری عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و همکاری صلح آمیز هسته‌ای عمل کرده است. پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) انعقاد موافقتنامه‌های پادمانی (نظارتی) جامع با آژانس را توسط کشورهای عضو اجباری می‌داند. تاکنون سه نوع الگوی پادمانی توسط آژانس مورد تصویب قرار گرفته است؛ موافقتنامه پادمانی جامع معروف به سند ۱۵۳، موافقتنامه پادمانی ۶۶ و پروتکل الحاقی ۵۴۰.

اورانیوم چیست؟

اورانیوم سنگین‌ترین عنصر رادیواکتیو با نیمه عمر بالا در طبیعت و ماده اصلی در فعالیت‌های هسته‌ای است که پس از انجام فعل و انفعالاتی که از آن به غنی‌سازی یاد می‌کنند به سوخت هسته‌ای تبدیل می‌شود. در هسته این عنصر ۹۲ پروتون با بار مثبت و ۱۴۳ نوترون وجود دارد.

یکی از مهم‌ترین خواص اورانیوم آن است که به ایزوتوپ‌های دیگر خود و عناصر دیگر تبدیل می‌شود. اما اگر عناصر تجزیه شده را وزن کنیم، می‌بینیم که وزن مجموع آنها از وزن اولیه کمتر است. این تفاوت وزن، ناشی از تولید جرمی است که براساس فرمول معروف اینشتین، انرژی عظیمی تولید می‌کند که همان انرژی هسته‌ای است.

غنی‌سازی چیست؟

برای استفاده از اجرام انرژی‌زا، باید اورانیوم تجزیه شود. اورانیومی که به خوبی تجزیه می‌شود، اورانیوم ۲۳۵ است. اما از هر هزار واحد اورانیوم موجود در طبیعت تنها هفت واحد اورانیوم ۲۳۵ است. به این دلیل است که ما باید بتوانیم اورانیوم را غنی کنیم، یعنی درصد خلوص آن را به وسیله دستگاه‌های غنی‌کننده افزایش بدهیم. یکی از متدهای رایج برای غنی‌سازی اورانیوم استفاده از سانتریفیوژهاست.

سانتریفیوژ چیست؟

سانتریفیوژ دستگاه استوانه‌ای شکلی است که درست مثل توربین هواپیما پره‌هایی در وسط آن وجود دارد. این پره‌ها در هر دقیقه بیش از صد هزار دور چرخش دارند. در نتیجه این چرخش، اورانیوم سنگین روی دیواره آخری سانتریفیوژ قرار می‌گیرد و اورانیوم ۲۳۵ در کنار آن می‌نشیند. باید هزاران سانتریفیوژ در کنار هم قرار بگیرند تا ما بتوانیم با کمک مجموعه آنها که به آبشارهای سانتریفیوژ معروف هستند، اورانیوم را غنی کنیم. یعنی با یک یا چند سانتریفیوژ نمی‌توان اورانیوم را غنی کرد.

تفاوت رآکتورهای آب سبک و سنگین

رآکتورهای آب سبک با آب معمولی کار می‌کنند. هیدروژن آب معمولی از یک پروتون تشکیل شده است اما در هیدروژن آب سنگین یک پروتون و یک نوترون وجود دارد. برای استفاده از رآکتورهای آب سبک، به اورانیوم غنی‌شده نیاز داریم اما در رآکتور آب سنگین از اورانیوم معمولی می‌شود استفاده کرد. به این ترتیب، در عمل استفاده از رآکتور آب سنگین، که

ایران هم در پی آن است، نتیجه‌ای شبیه همان غنی‌سازی اورانیوم را خواهد داشت.

پلوتونیوم چیست؟

پلوتونیوم در طبیعت به صورت ماده معدنی وجود ندارد اما اگر ما یک نیروگاه برق اتمی را به کار بیندازیم و ۳۰ روز پس از آغاز کار آن، سوختش را بیرون بیاوریم، می‌توانیم مقدار زیادی پلوتونیوم ۲۳۹ از آن جدا کنیم و این پلوتونیوم آنقدر غنی است که می‌توان مستقیماً از آن بمب اتمی درست کرد. ظاهراً همین نکته است که آمریکا و متحدانش را نگران راهاندازی نیروگاه برق اتمی بوشهر کرده است.

سوخت هسته‌ای چیست؟

سوخت هسته‌ای به موادی گفته می‌شود که می‌توان از آنها برای تولید انرژی هسته‌ای استفاده کرد. تاکنون رایج‌ترین سوخت هسته‌ای مواد شکافت‌پذیر مانند اورانیوم و پلوتونیوم بوده‌اند. برخی مواد مانند دوتریوم و تریتیوم و هلیوم سه که در فرایند همجوشی هسته‌ای به کار می‌روند نیز به عنوان سوخت هسته‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

کیک زرد

کیک زرد (Yellowcake) که به نام اورانیا (Urania) هم شناخته می‌شود در واقع خاک معدنی اورانیوم است که پس از گذراندن مراحل تصفیه و پردازش‌های لازم از سنگ معدنی آن تهیه می‌شود. تهیه این ماده به منزله رسیدن به بخش میانی مراحل مختلف تصفیه سنگ معدن اورانیوم است و باید توجه داشت که برخلاف باور رایج فاصله بسیار زیادی برای استفاده در بمب اتمی دارد. روش تهیه کیک زرد کاملاً به نوع سنگ معدن به دست آمده بستگی دارد اما به طور معمول با آسیاب کردن و پردازش‌های شیمیایی روی سنگ معدن اورانیوم، پودر زیر و زرد رنگی به دست می‌آید که قابلیت حل شدن در آب را ندارد و حدود ۸۰ درصد غلظت اکسید اورانیوم آن خواهد بود. این پودر در دمایی معادل دو هزار و ۸۷۸ درجه سانتی‌گراد ذوب می‌شود.

آوای بیدار...

نشریه ای دانشجویی اما متفاوت...

WWW.ANDISHEVARZ.IR